

گفت وگویی صبا با عوامل فیلم مستند فراموشخانه

تاریخ را تنها فاتحان نمی نویسند



مریم عظیمی
گفت و گو

فیلم مستند داستانی فراموشخانه به کارگردانی مشترک سهند سرحدی و سید فرهاد قدسی که چندی پیش در بخش هنر و تجربه به اکران درآمد این روزها از طریق پلتفرم هاشور در اختیار مخاطبان علاقمند به این سبک سینما قرار گرفته است. به همین بهانه خبرنگار صبا گفتگویی با عوامل این فیلم داشته که در ادامه می خوانید.

سهند سرحدی:

نسبت به دروین و فیلمساز بدبین هستند

شما را بیشتر بشناسیم.

من لیسانس تئاتر و ادبیات نمایشی را از دانشکده هنرهای زیبا دارم و از حدود سال ۸۶ به عنوان روزنامه نگار و عکاس با نشریات همکاری کردم. زمانی که دانشجو شدم چند کار تئاتر انجام دادم و بعد از آن روی سینما تمرکز کرده ادامه دادم و سال ۹۷ اولین فیلمم که فراموشخانه بود را ساختم و بطور همزمان فیلم کوتاه صحنه تاریخ را که اولین فیلمم کوتاه بود ساختم که همان سال در جشنواره فیلم کوتاه تهران نمایش داده شد و بسیار هم مورد استقبال قرار گرفت و باز خورد خوبی داشت.

فراموشخانه در چه جشنواره هایی شرکت کرده است؟

در ۵ جشنواره مختلف بین المللی حضور داشته که مهم ترینش جشنواره بلک مووی ژنو بود و ژانویه امسال نمایش جهانی فیلم آنجا انجام شد همینطور در جشنواره سینما حقیقت در بخش نمایش های ویژه اکران شد. در بخش مدیای جشنواره ویزیون دوریل سوئیس هم حضور داشت که جزو بخش های اصلی آن جشنواره نیست.

از شکل گیری ایده و روند ساخت این اثر بگویید.

از سال ۸۹ که در دانشگاه هنرهای زیبا رفت و آمد داشتم با آن پیانو مشهور برخورد داشتم و در همان سالنی که آن پیانو وجود داشت تئاتر تمرین می کردم. تقریباً برای همه ماها که در آن دانشگاه درس می خواندیم آن پیانو شیء آشنایی است و ایده ساخت فیلمم تقریباً همان زمان به ذهنم رسید. همان زمان با همکارم آقای قدسی در این مورد صحبت کردم و ایشان هم به موضوع علاقه داشتند و به من پیشنهاد دادند که با همین کار را انجام دهیم. به مرور وقتی ایده پرورش پیدا کرد و تصمیم به ساخت گرفتم، در پروسه ای که برای تحقیق و پژوهش داشتم تصمیم گرفتم که این فیلم تبدیل شود به فیلمی که صرفاً راجع به یک پیانو نیست بلکه فقط در وهله اول اینطور به نظر می آید و هر چقدر جلوتر می رویم و از آن پیانو دور تر شده و

پرسپکتیو مخاطب گسترده تر می شود کم می فهمیم که این فیلم صرفاً راجع به یک پیانو نیست بلکه راجع به موسیقی، یک سری وقایع و اتفاقاتی که پیرامون آن رخ داده و حتی از منظر دور تر شاید بتوان آنرا راجع به وقایعی که در کشور ما رخ داده است دید. حتی شاید بتوان دور تر ایستاد و حالا راجع به همه اتفاقاتی که در کشور ما دارد می افند به آن نگاه کرد. در پژوهش فیلم من خیلی تحت تاثیر رویکرد والتر بنیامین بودم. همان ایده تفکر قطعه قطعه و تکه وار و یا همانگونه که خودش میگوید فرگمنتال رفلکشن، که در واقع یک نوع تاریخ نگاری و بازخوانی تاریخ اشیا بر اساس تاریخ ایدئولوژیک، سیاسی و اجتماعی است که حول آنها رخ داده است. من سعی کردم رویکردی که بنیامین در تاریخ نگاری داشته را راجع به این پیانو استفاده کنم که نتیجه اش فیلم فراموشخانه شد. چند سالی است که بر ایده تاریخ غیر رسمی تمرکز کرده و کار می کنم. تاریخ غیر رسمی در برابر تاریخ رسمی وجود دارد. تاریخ رسمی آن چیزی است که روایت های غالبی از تاریخ را به ما ارائه می دهد ولی تاریخ غیر رسمی معمولاً صداها و روایاتی که لابلای این صدای غالب گم می شود را روایت می کند. کاری که ما با این پیانو کردیم اینگونه بود که به نوعی یک تاریخ فراموش شده را روایت می کنیم که در دل یک واقعه بزرگ گم شده است. من این رویکرد را در فیلم قبلیم صحنه تاریخ هم داشتم و احتمالاً در کارهای آینده هم ادامه دهم. سال گذشته طی اتفاقات و اعتراضاتی که در دانشگاه تهران در جریان بود یک هم دانشکده ای سابق عکسی برایم فرستاد که بالای قاب محافظ پیانو شعاری نوشته شده بود: صدمین روز اعتراضات وقتی عکس را دیدم به نظرم رسید که این عکس می توانست بخشی از این فیلم باشد این عکس به من نشان می داد تاریخی که ما در فیلم از آن صحبت میکنیم هنوز دامه دارد و هنوز آن پیانو دارد یکسری اتفاقات دیگر را دور و بر خودش می بیند و شاید بتوان این فیلم را بر اساس این حتی ادامه داد.

تهیه کننده اثر آقای علی مصفا هستند از نحوه شکل گیری این ارتباط و همکاری بگویید.

همکارم آقای فرهاد قدسی که کارگردانی مشترک این کار را با هم انجام داده ایم سال هاست که با آقای مصفا همکاری می کند و من از طریق ایشان با آقای مصفا آشنا شدم. ایده را نوشته بودم با ایشان در موردش گپ زدیم و از ایده خوششان آمد و حمایت کردند. آقای مصفا به ما خیلی لطف داشتند چرا که همیشه از سینما و فیلم های مستقل حمایت می کنند و حمایتشان شامل این فیلم هم شد.

در مرحله پژوهش چه چالش هایی برای دریافت مجوزهای لازم داشتید؟

چالش های زیادی داشتیم و یکی از علت هایی که ساخت فیلم نزدیک به یک سال و نیم طول کشید گرفتن همین مجوزها و بعضاً همکاری نکردن برخی از نهادها بود. با اینکه از وزارت ارشاد پروانه ساخت و از وزارتخانه هم برای وارد شدن به یک سری از این اماکن و فیلمبرداری نامه داشتیم اما خیلی سختی زیادی کشیدیم و بسیاری از مدیران و مسئولین با ما همکاری نمی کردند. به عنوان مثال یکی از لوکیشن هایی که ما در مرحله پژوهش تصمیم گرفتیم که وارد آن شویم تالار مولوی بود چون یک پیانوی قدیمی در آنجاست و من در مورد آن تحقیقات زیادی کرده بودم و می توانست بخش مهمی از فیلم باشد ولی مدیریت تالار مولوی با ما همکاری نکرد. متأسفانه برخی از این مدیران به جای اینکه یک کلمه بگویند که با ما همکاری نمی کنند ساعت ها و روزها وقت ما را تلف می کنند بدون اینکه یک جواب سر راست به ما داده باشند. ایشان ساعت ها مرا پشت در اتاقشان نگه داشتند تحت این عنوان که جلسه دارم و اغراق نیست اگر بگویم که سر جمع ۱۵ تا ۲۰ ساعت پشت در دفتر ایشان منتظر ماندم تا ایشان را ببینم با اینکه در ابتدا قول همکاری به ما دادند ولی به محض اینکه پروژه جدی شد و جلورفت ایشان دیگری همکاری نکردند. البته بسیاری از همکاران، مسئولین و مدیران هم حمایت کردند. از همه مهمتر مسئولین دانشگاه تهران بودند که نقش بسیار زیادی داشتند و بدون همکاری آنها امکان نداشت که این فیلم ساخته شود. خانم آذین موحد مدیر گروه موسیقی دانشکده بودند که اخیراً شنیده ام اخراج